

۲۴۷۰۶۳۲

شرح صدید

اثر ماندگار پیر هرات خواجه عبداله انصاری

جلد سوم

میدان بیست و نهم تا چهل و دوم

نویسنده: علی مسعود مقدم

بهار ۱۴۰۳

سرشناسه	: مسعودی مقدم، علی، ۱۳۵۷-
عنوان قراردادی	: صد میدان، شرح
عنوان و نام پدیدآور	: شرح صد میدان: اثر ماندگار پیرهرات خواجه عبدالله انصاری / نویسنده علی مسعودی مقدم.
مشخصات نشر	: تهران: سروش برتر، ۱۴۰۲ -
مشخصات ظاهری	: ج.
شابک	: ج. ۷۱-۹۰-۹۷۸-۶۲۲-۷۵۹۳-۹۰۷ : ج. ۲۲-۱۶-۸۰۱۲-۶۲۲-۹۷۸ : ج. ۶-۳۴-۸۰۱۲-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فاپا (چاپ دوم)
یادداشت	: کتاب حاضر شرحی بر کتاب "صد میدان" تألیف عبدالله بن محمد انصاری است.
یادداشت	: چاپ دوم.
مندرجات	: ج. ۱. میدان یکم تا چهاردهم. - ج. ۲. میدان پانزدهم تا بیست و هشتم. - ج. ۳. میدان بیست و نهم تا چهل و دوم
عنوان دیگر	: اثر ماندگار پیرهرات خواجه عبدالله انصاری.
موضوع	: انصاری، عبدالله بن محمد، ۳۹۶-۴۸۱ ق. صد میدان -- نقد و تفسیر
موضوع	: تصوف -- متون قدیمی تا قرن ۱۴ - Sufism -- Early works to 20th century
	: اخلاق عرفانی - Mystical ethics
	: نثر فارسی -- قرن ۵ق. - Persian prose literature -- 11th century
شناسه افزوده	: انصاری، عبدالله بن محمد، ۳۹۶-۴۸۱ ق. صد میدان. شرح
رده بندی کنگره	: ۲۸۸ B۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۱۷۲۶۹۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فاپا

نویسنده: علی مسعودی مقدم

عنوان: شرح صد میدان

ناشر: سروش برتر

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ اول: انتشارات سروش برتر ۱۴۰۳

شماره پخش: ۰۹۳۵۲۴۰۸۱۹۹



حق چاپ برای ناشر محفوظ است

قیمت: ۲۸۰،۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه	۶
سخن نویسنده	۱۴
میدان بیست و نهم: فکر	۱۷
میدان سی ام: ذکر	۳۵
میدان سی و یکم: فقر	۵۳
میدان سی و دوم: تواضع	۹۵
میدان سی و سوم: خوف	۱۲۱
میدان سی و چهارم: وجل	۱۴۵
میدان سی و پنجم: رهبت	۱۷۰
میدان سی و ششم: اشفاق	۱۸۴
میدان سی و هفتم: خُشوع	۱۹۶
میدان سی و هشتم: تذلل	۲۲۱
میدان سی و نهم: اِخبات	۲۴۶
میدان چهلّم: اَلْباد	۲۶۲
میدان چهل و یکم: هیبت	۲۸۴
میدان چهل و دوم: فرار	۳۰۱

مقدمه

خدا را شکر که پس از هزار سال بر سفره‌ی گسترده‌ی خواجه عبدالله انصاری نشستیم و به مطالعه‌ی کتاب صد میدان پرداختیم. کتاب صد میدان یک اثر نفیس و کامل عرفان ایرانی است که باید زنده شود. صد میدان در اصل صد تولد است و همه‌ی میدان‌ها از همدیگر زاده می‌شوند.

از پروردگار یکتا طلب می‌کنیم و سپاس‌گزاریم که آگاهی‌های ناب مدفون در این کتاب را به دل‌های تک تک ما جاری بنماید و بتوانیم، آنچه که لایق و شایسته‌ی آن هستیم و در زندگی ما سبب بهبود و ارتقاء ما خواهد شد را فرا بگیریم.

جلد سوم کتاب شرح صد میدان از میدان تفکر آغاز می‌شود و به میدان فرار خاتمه می‌یابد.

شرح کتاب صد میدان در میدان‌های فوق به سمتی می‌رود که به مسائل روزمره و زمینی نزدیک است، چون حیات پاک در اصل به معنای اینست که شما زندگی خوبی داشته باشید. به عبارتی دیگر، ما باید همان سبکی که برای معنویت به کار می‌بریم، همان را هم در زندگی روزمره‌ی خود به کار ببریم و هم دنیا و هم آخرت خود را بسازیم.

در میدان تفکر، جناب خواجه عبدالله انصاری، هزار سال پیش به ما تذکر داده است که اگر صاحب تفکر و اندیشه نباشید، چه بلاهایی ممکن است بر سر شما بیاید.

آینده‌ی ایران در دست کودکان و نوجوانان امروز است و باید از اکنون به آن‌ها آموزش تفکر انتقادی، خلاقانه و هوشمندانه بدهیم. البته خود ما هم بلد نیستیم که تفکر کنیم و یاد بگیریم، چگونه فکر کنیم.

میدان بعدی، تواضع است. تواضع یا فروتنی، یکی از کلیدهای موفقیت است و کاملاً با وضعیت فیزیکی انسان، نسبت مستقیم دارد.

بر طبق قانون الهی، انسانی که در غرور و خودبزرگ بینی گرفتار باشد، در هر جایگاه تحصیلی، کسب و کار و حتی معنویت باشد، متوقف می شود و دیگر رشدی نمی کند. از طرفی دیگر، خداوند حفاظ بسیار محکمی برای انسان های متواضع در مقابل نگاه حسد آلود، رشک آمیز و آرزومندانه قرار داده است.

در این میدان، اثرات منفی خودبزرگ بینی در سطح فردی و اجتماعی بررسی شده است.

اگر می خواهید صاحب تواضع شوید، شروع به پیاده روی کنید و بر زمین با احترام و نرمی قدم بردارید و سعی کنید با زمین، ارتباط خوبی برقرار کنید.

انسان متواضع، هوش معنوی بالایی دارد. قسمت های خوب یک مسلک یا یک مذهب را می بیند، احترام می گذارد و شکرگزار می کند و همچنین قسمت های منفی یا قسمت هایی که مورد پذیرش نیست را به تهمت و افترا نمی کشاند.

میدان بعدی، خوف است که منظور از «خوف پروردگار»، «خوف مقام» است؛ یعنی ما ترس از مقام خدایی و سقوط در عالم ذهن و نفس داریم.

خوف، یک ترس احترام گونه است. ترس این که مبادا جایگاه خودم را از دست دهم. در واقع خوف، سلاح مومن است که انسان باورمند، با آن مسلح به انرژی های الهی می شود.

در میدان خوف، بیان شده است که نهایت معنویت به اخلاق زمینی ختم می شود و اخلاق درست کاری، بهزیستی و نیک زیستی در زندگی ما جاری می شود و به پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک کشیده می شود.

روح الهی دارایی ماست. در واقع ارزنده ترین چیزی که ما در وجود خود داریم، خداوند است و باید این دارایی را حفظ کنیم.

میدان بعدی، وجل است که یک مرحله بالاتر از خوف است و بیم و هراس، عاشقانه می شود و دل و قلب انسان، برای خدا و رب خود می لرزد. قلبی که وابستگی هایش رها شده است.

وجل، ترس زنده‌دلان است و زنده‌دل، کسی است که عصب‌های شهودی قلب وی، گشوده شده است.

کسی که به وجل قلب رسیده باشد، نیت او روشن و شفاف است، مواظب است، کوتاهی نکند و اگر کوتاهی کرد، مسئولیت آن را می‌پذیرد و فوری پاکسازی می‌کند و سریع جریمه‌ی آن را پرداخت می‌کند.

در میدان وجل، اشاره می‌گردد که عزت نفس در مرحله‌ی نفس ارزشمند است، اما در مرحله‌ی دل یا قلب، عزت نفس خود، یک حجاب است و در این مرحله، نباید نفسی برای انسان باقی مانده باشد که بخواهد او را عزیز کند؛ بلکه انسان سالک باید همواره در حال توبه و در حال بیم و خاری در قبال پروردگار یکتا باشد. انسانی که وارد میدان وجل شده است، نگران است، آن وقتی که جهان هستی، برای عزم ایجاد و تأیید کرده است، از بین برود. از این رو، انسان اهل وجل، تاخیر نمی‌کند و با انرژی جهان هستی، همسوء هست و آن‌چه به دلش می‌افتد را انجام می‌دهد.

بعد از میدان وجل، میدان رهبت متولد می‌شود. در میدان رهبت، عهد خداوند مطرح می‌شود. عهد خداوند اینست که هیچ شرکی به خداوند نورزیم و فقط از خداوند یاری بطلبیم؛ آن‌گاه خداوند به عهد خود وفا می‌کند.

کسی که وارد میدان رهبت می‌شود، فقط یک نگرانی دارد که خدا را از دست ندهد. در واقع بعد از رهبت، خدا تمام علت‌ها و معلول‌ها می‌شود و انسان دیگر از قوانین ماتریکس جهان هستی خارج می‌شود.

بعد از میدان رهبت، میدان اشفاق است که یک نوع ترس عاشقانه و از روی محبت است. اشفاق، ابری است که از آن نور می‌بارد و سبب شجاعت می‌شود. در این حالت به انسان، یک بصیرتی داده می‌شود که پرده‌ها کنار می‌رود و حکمت همه‌چیز را می‌فهمد. در میدان اشفاق، گرچه انسان دائم در حال تلاش است، اما وصل به کوشش انسان بستگی ندارد و باید به او عطا و کرامت شود.

آخرین میدان ترس، میدان خشوع است. بدین معنا که آدمی از خوف خداوند به جایی برسد که دل او نرم شود و در نتیجه آگاهی‌های خیلی خوبی دریافت کند و اگر بخواهد خطایی انجام دهد، قلب به وی هشدار دهد.

انسانی که در مرحله خشوع است، باید باادب رفتار کند، دل کسی را نشکند و بتواند خشوع را در قلب خود نگه دارد. اگر انسان خاشع شود، آن چه حضرت حق فرستاده است را می تواند دریافت کند. چنین انسانی در رفتارهای خود با دیگران، ایشار و تحمل دارد، مایه‌ی دردرس و مزاحمت برای دیگران نمی شود و به حریم دیگران تجاوز نمی کند. کسی که به انسان ها، دولت ها، قدرت ها، مقام ها و جایگاه ها بها دهد، هیچ گاه به عشق الهی نمی رسد.

میدان بعدی تذلل است، وقتی تمام وجود انسان به فروتنی کشیده شود و احساس کند در مقابل پروردگار، بسیار خوار و ضعیف است.

حالت سجده، نماد میدان تذلل است، هنگامی که فرد به سجده می رود و در مقابل پروردگار به خاک می افتد، در واقع پیوند محکمی با خاک برقرار می کند و مثل خاک، فروتن می شود. در این میدان، بیان می شود که انسان، ابتدا باید نیازهای خود را شناسایی کند، یعنی خود و ارزش های خود را بشناسد، بداند چه تاثیری می خواهد در این دنیا بگذارد، چه چیز در دنیا، برای او اهمیت دارد و بر اساس آن، برنامه ریزی کند. در میدان تذلل، بیان می شود که باید عقل، خرد و فرزاندگی با معنویت در کنار همدیگر باشند تا انسان، کمترین اشتباه را در زندگی مرتکب شود. انسان برای این که بتواند تذلل پیدا کند و در مقابل پروردگار، فروتنی کامل داشته باشد؛ باید از پرگویی پرهیز کند و به جا، نیکو و شایسته سخن بگوید.

میدان بعدی، میدان اخبات است. اخبات به معنای نرم خوئی است، یعنی بعد از مرحله ی خوف گونه ی تذلل، انسان به حالتی رسیده است که مانند خاک، نرم شده است. انسانی که در مرحله ی اخبات است، دلش برای پروردگار و یک معشوقی که نمی داند کجاست، اما در قلب خود، او را حس می کند، تنگ می شود. در میدان اخبات، بیان می شود که هر فرد باید سه پایه شعائر (نشانه ها و ظرف پدیده ای که می خواهد اتفاق بیافتد)، مناسک (رفتارهایی که انسان از خود بروز می دهد) و عقاید (باورها) را برای هر اندیشه و هر کار خود بنا نهد. علاوه بر آن، تاکید می شود که انسان باید «استغراق اوقات» داشته باشد، یعنی برای موفقیت در کارها باید در آنها غرق شود.

در میدان اخبات، اشاره می گردد که اخلاص سبب می شود، انسان خدا را زیاد ببیند و حس کند؛ یعنی در اخلاص، انسان متوجه می شود که الان این کار را برای خود انجام می دهد یا برای نمایش یا برای خداوند؟

یکی از هنرهای سالک، باید این باشد که چگونه با مردم، رابطه‌ی خوبی برقرار کند و به آنها احترام و عزت بگذارد.

میدان چهل، میدان الباد است. انسان سالک که قلبش نرم شده است، به حضرت دوست، چنان خیره می‌شود که جز او نمی‌بیند، یعنی خدا بسیار به شما نزدیک است و آن‌قدر در محضر خدا هستید که با او زندگی می‌کنید.

انسانی که در مرحله‌ی الباد است، کار خود را انجام می‌دهد، اما زیاد دست و پا نمی‌زند که چاره‌جویی کند (رانت بزند، لایق کند و ...)، چون همیشه به خداوند وصل است و کارهای او، راحت‌تر حل می‌شود. در واقع، آدم از خود برای خدا گذر می‌کند و از تدبیرهای خود، برای تدبیرهای الهی می‌گذرد.

انسانی که در مرحله‌ی الباد است، باید اندک اندک، نه از لحاظ ظاهری، بلکه از لحاظ باطنی از جامعه فاصله بگیرد.

برای انسان‌هایی که به مقام وصل رسیده‌اند، دعا مهم نیست، اما مستجاب الدعوه هستند و خود به خود صاحب کرامت می‌شوند.

کسی که در مرحله الباد، است، کسی است که به شناخت ثانیه‌ها رسیده، به شناخت هر نفس رسیده و یک نفس نیست که در خود آگاهی معنوی نباشد و به سه مقام مقربان، عارفان و ربانیان رسیده است.

میدان بعدی، هیبت است و آن مقام اصفیاست؛ یعنی کسانی که تمام ناخالصی‌های وجودشان صاف شده است. هیبت، انرژی، عظمت و عزت است. اگر به خدا عزت گذاشتید و خداوند را شاهد اعمال خود دانستید، با آدم‌ها به انصاف رفتار می‌کنید و ظلم نمی‌ورزید و در عین حال، خودتان صاحب عزت می‌شوید و در این دنیا، لگدمال نمی‌شوید و خداوند شما را حفظ می‌کند. هیبت، ربطی به کارهایی که شما انجام داده‌اید، ندارد؛ بلکه نوری است که از مقام ملکوتی و جایگاه الهی به دل شما می‌تابد.

میدان چهل و دوم، فرار است. از این میدان به بعد، حالت عادی گام برداشتن و سلوک نیست؛ بلکه دیدن انسان به سیر «الی الله» آغاز می‌شود و ناخواسته اتفاقاتی می‌افتد که شما باید بدوید و به خدا پناه ببرید. یعنی باید از لحظه و جایگاهی که در آن هستید، به صورت

گریزان فرار کنید. در میدان فرار، تمام حجاب‌ها به کنار می‌رود و روح را می‌بیند و وحدت دو روح مقام کبریایی پروردگار می‌شود. مرحله‌ی فرار، یعنی فرو نهادن تمام آگاهی‌ها، جایگاه‌ها و اطلاعات. ما از میان تمامی بیم‌ها و ترس‌های زندگی، فقط باید به ترس قطع شدن ارتباط خود با حضرت حق برسیم.

همیشه در باز نیست! فرصتی می‌آید که آن توفیق حاصل می‌شود، اگر در لحظه‌ای که خداوند در خانه‌ی شما را می‌گوید ...، در را باز کنید، شامل توفیق الهی می‌شوید، وگرنه تمام می‌شود و از دست می‌رود.

در پناه نور و عشق الهی باشید.

علی مسعودی مقدم

بهار ۱۴۰۳

www.ketab.ir